

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال دوم، شماره‌ی ششم، زمستان ۱۳۸۹، صص ۴۳-۶۰

## تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه‌ی دوم

حسن حضرتی\*، افسانه روشن\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر به تحولات فرهنگی و اجتماعی زنان ملل مختلف اختصاص دارد و اساس آن بر مطبوعات ایرانی از آغاز انتشارشان در دوره‌ی قاجار تا پایان مشروطه دوم یعنی ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ ق قرار گرفته است. انعکاس مطالب از زنان سایر ملل در روزنامه‌ها و چگونگی آن، در سه مرحله بنابر ویژگی‌هایی خاص قابل تفکیک است. مرحله‌ی اول روزنامه‌های دولتی داخلی را دربردارد؛ مرحله‌ی دوم با انتشار روزنامه‌های برون‌مرزی آغاز شده که با وقوع انقلاب مشروطه به پایان می‌رسد؛ مرحله‌ی سوم از انقلاب مشروطه تا پایان مشروطه دوم را دربردارد. مسئله‌ی پژوهش حاضر آن است که در مراحل یادشده انعکاس اخبار زنان سایر ملل در روزنامه‌های فارسی‌زبان چه سیری را طی نموده و چه تحولاتی به خود دیده است؟ همچنین مطبوعات چه هدفی از طرح آن مطالب دنبال می‌کردند و ذهنیت زن ایرانی چگونه از آن تأثیر پذیرفت؟ در بازه‌ی زمانی مورد نظر، طرح مسائل زنان سایر ملل از گونه‌ی اخباری در مرحله‌ی اول به وجهی تحلیلی در مراحل بعدی پیش رفته است. در هر مرحله نه تنها کمیت اخبار نسبت به مرحله‌ی قبل افزایش یافته، بلکه موضوعات طرح‌شده نیز تفاوت‌هایی اساسی پیدا کرده و مباحث جدی‌تر از مسائل زنان طرح‌شده است. در مراحل دوم و سوم زن ایرانی با زنان سایر ملل مقایسه شده و حیات فرهنگی و اجتماعی‌اش از آنها خصوصاً از زن اروپایی تأثیر پذیرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** زنان، تحولات اجتماعی، روزنامه‌های فارسی‌زبان، ایران، اسلام، اروپا، دوره‌ی قاجار، مشروطه.

\* عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران. (hazrati@ut.ac.ir)

\*\* کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران. (afsaneh.roshan@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۵، تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲.

## مقدمه

از دوره‌ی قاجار ارتباط جامعه‌ی ایرانی با دیگر جوامع، وجهه‌ای فرهنگی نیز یافت که به تدریج ایرانیان را با پرسش‌هایی جدی درباره‌ی وضعیت خودشان روبه‌رو نمود. این امر در ابعاد اجتماعی و فرهنگی برای جامعه‌ی ایرانی رخ داد که پیش‌زمینه‌ای برای تغییر و تحولات عمده‌ی سیاسی شد. در چنین شرایطی وضعیت زنان نیز می‌توانست از تحولاتی که در جوامع آن روزگار در جریان بود، تأثیر پذیرد و دست‌کم در مقایسه با زنان سایر ملل به چالش کشیده شود. برای آگاهی از این امر، پژوهش در آنچه از زنان سایر ملل برای ایرانیان مطرح شد، ضروری است. در میان منابع دوره‌ی قاجار، بهترین و جامع‌ترین منبع جهت انجام چنین پژوهشی، روزنامه‌های آن دوره هستند. چرا که از سویی به جوانب گسترده‌تری از ابعاد فرهنگی و اجتماعی ملل مختلف توجه نشان داده و از سوی دیگر با استقبال قابل‌توجهی مواجه شده و با طرح اخبار و مسائل زنان سایر ملل علاوه بر کارکرد روایت‌گری، می‌توانست نقش تأثیرگذاری در وضعیت زنان ایرانی را بر عهده بگیرد. اساس پژوهش حاضر بر یازده روزنامه از مهم‌ترین روزنامه‌های دوره‌ی زمانی مورد نظر قرار گرفته است. این اهمیت بنابر مدت زمان طولانی انتشار و تیراژ بالای روزنامه و در نتیجه گستردگی آن در جامعه بوده تا از این طریق بتوان به نتیجه‌ای قابل قبول از روند موضوع پژوهش و تحولاتش دست یافت. گفتنی است که داده‌های این مقاله از روزنامه‌های داخلی به روزنامه‌های انتشاریافته در پایتخت روزگار قاجار منحصر شده؛ چرا که از سویی دیدگاه غالب جامعه را به نمایش گذارده و از سوی دیگر به‌خاطر انتشار منظم، ضعف پراکندگی و عدم دسترسی به مطالبی را که بیشتر در روزنامه‌های ولایتی دیده می‌شوند، ندارد.

پژوهشی که چگونگی انعکاس مسائل زنان ملل مختلف در روزنامه‌های فارسی‌زبان را نشان دهد، تاکنون انجام نشده است. اما از آنجا که یکی از زمینه‌های مهم آگاهی از تحولاتی که زن ایرانی در دوره‌ی قاجار پشت سر نهاد، آگاهی از این امر است که اخبار زنان سایر ملل چگونه مجال طرح یافت و با چه چهارچوب و رویکردی مورد توجه قرار گرفت، پژوهش حاضر دارای اهمیت است. البته مقاله‌ی حاضر درصدد پرداختن به وضعیت زن ایرانی نیست، بلکه موضوع اصلی آن چگونگی انعکاس مسائل زنان سایر ملل است که می‌تواند مقدمه‌ای برای درک و دریافت بهتر زمینه‌های تغییر حیات فرهنگی و اجتماعی زن ایرانی در دوره‌ی قاجار باشد؛ از آن جهت که بر آن تأثیراتی داشت.

پژوهش حاضر با بررسی روزنامه‌ی *وقایع/تفاهیه* آغاز می‌شود که اولین روزنامه‌ی ایرانی نیست، اما اولین روزنامه‌ای است که می‌توان نمای فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی قاجار را به‌واسطه‌ی آن ترسیم کرد. چراکه برخلاف *کاغذ/خبر* - اولین روزنامه‌ی ایرانی - در دوره‌ی

زمانی طولانی چاپ شده و شماره‌های متعدد آن در دسترس است. ضمن آنکه ارتباط فرهنگی ایران با سایر ملل به‌ویژه اروپاییان از دوره ناصرالدین‌شاه آغاز شد. از این نقطه‌ی آغاز تا پایان مشروطه دوم، می‌توان در پژوهش حاضر، سه مرحله را بر اساس تفاوت‌هایشان که از شرایط حاکم بر روزنامه‌ها ناشی می‌شد، در نظر گرفت. که عبارت‌اند از: مرحله‌ی اول: از انتشار وقایع/تفاهیم تا انتشار روزنامه‌های برون مرزی؛ مرحله‌ی دوم: روزنامه‌های برون مرزی تا وقوع انقلاب مشروطه و مرحله‌ی سوم: از انقلاب مشروطه تا پایان مشروطه‌ی دوم. در مرحله‌ی اول روزنامه‌های دولتی که رویکرد سنتی داشته و از دربار متأثرند، به انعکاس مسائل زنان توجه چندانی ندارند. در مرحله‌ی دوم روزنامه‌های برون مرزی با رویکردی نقادانه به حکومت و فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه ضمن توجه بیشتر به مسائل زنان، موضوعات متفاوتی را مطرح می‌کنند. در نهایت در مرحله‌ی سوم، استقرار مشروطیت، تأثیر زیادی بر رویکرد روزنامه‌ها برجای نهاد؛ به طوری که مباحثی جدی‌تر از قبل طرح شده و حتی زنان ایرانی در آثارشان به تحولات فرهنگی زنان ملل مختلف توجه نشان دادند. پرسش اساسی این پژوهش آن است که در سه مرحله‌ی یادشده، اخبار زنان ملل مختلف و تحولات حیات اجتماعی و فرهنگی‌شان چگونه در مطبوعات فارسی‌زبان انعکاس یافته، در مراحل مختلف چه سیری را طی نموده و چه تحولاتی به خود دیده است؟ همچنین این پرسش اساسی مورد نظر است که مطبوعات چه هدفی از طرح آن مطالب دنبال می‌کردند و ذهنیت زن ایرانی چگونه از آنها تأثیر پذیرفته است؟ بنابراین طی دوره‌ی زمانی مورد نظر، بر اساس رویکرد کیفی، مطالب زنان ملل مختلف در روزنامه‌های ایرانی و چگونگی آن انعکاس از منظر تاریخ اجتماعی طرح و بر پایه آن، تحلیل نگارندگان ارائه خواهد شد.

## ۱- از وقایع/تفاهیم تا روزنامه‌های برون مرزی

مطالب روزنامه‌های مورد بررسی این مرحله که روزنامه‌های دولتی دوره‌ی ناصرالدین‌شاه قاجارند، صرفاً خبری بوده که دسته‌ای در تحلیل آنچه زنان سایر ملل از سر گذراندند، هیچ کاربردی نداشته‌اند، اما دسته‌ای دیگر این قابلیت را داشته و دست کم می‌توانند نمایانگر دیدگاه روزنامه‌ها نسبت به زنان باشند.

در ابتدای این مرحله، روزنامه‌ها رویکردی صرفاً سنتی در پیش می‌گیرند و توجه آنها به مسائل زنان سایر ملل، در قالب ارزش‌های ظاهری زن و وظایف و جایگاه وی در خانواده دیده می‌شود. در اخبار زیادی، زیبایی و صورت نیکوی زنان سایر ملل مورد توجه قرار گرفته که نشان می‌دهد این ویژگی در آن روزگار از ارزش‌های مورد انتظار برای زن بوده است. به‌عنوان مثال در

خبری آمده است که برخی دخترهای کوهستان مجار، گیاهی به نام زرنیخ می‌خورند تا سرخ‌روی و فربه و زیبا شوند.<sup>۱</sup> وقایع‌اتفاقیه خبر دیگری دارد که نشان از اوج اهمیت ارزش‌های ظاهری زن دارد: خبر در مورد وصیتی عجیب از یکی از اهالی اروپاست که ثروتش را در بقچه‌ای به صندوق‌خانه دولتی سپرده تا پس از مرگش به زیباترین زن شهر دهند.<sup>۲</sup> زیبایی زن در خبر دیگری درباره‌ی یک زن یهودی زیبا که «بصاحت و وجاهت معروف و مشهور بود...»، توجه ایران را به خود جلب نموده است.<sup>۳</sup>

محور اخبار بسیاری بر عشق و ازدواج، زناشویی و مسائل ناموسی قرار گرفته که نمونه‌ای از آن مربوط به وقایع‌اتفاقیه است. این روزنامه از تغییر قانونی قدیمی در فرنگستان خبر داده است که در نتیجه آن، مرد می‌توانست اگر عملی قبیح از همسرش سر زد، آن را اثبات نموده و او را طلاق دهد.<sup>۴</sup> چنین مطالبی در روزنامه‌های این مرحله بسیار دیده می‌شود.

از دیگر ارزش‌های حاکم بر جامعه‌ی دوره‌ی قاجار درباره‌ی زنان، زایمان و برعهده گرفتن نقش مادری بود که باعث می‌شد در انعکاس اخبار اروپا نیز مورد توجه روزنامه‌ها قرار گیرد: زنی در بلجیقا دو طفل به دنیا آورده که یکی از آنها از کمر به پایین ترکیب آدم و از کمر به بالا ترکیب ماهی داشته است.<sup>۵</sup> در اطلاع نیز گزارش چنین زایمان عجیبی آمده است.<sup>۶</sup> همچنین وقایع‌اتفاقیه درباره‌ی زنان چین خبر می‌دهد که بسیار بچه می‌آورند.<sup>۷</sup>

البته در کنار این موضوعات، که از سطح فکری و فرهنگی بالایی برخوردار نیست، در اواخر مرحله‌ی اول، در روزنامه‌ها به مطالبی با موضوعات کاملاً متفاوت از آنچه گفته شد، برمی‌خوریم که توجه به دانش‌آموزی زنان سایر ملل و پیشرفتشان در زمینه‌های مختلف از نمونه‌های آن است؛ هرچند که با وجود تغییر موضوعات، رویکرد خبری آنها همچنان باقی مانده است. بیشترین مطالب از چنین موضوعاتی مربوط به روزنامه‌ی *ایران* و پس از آن اطلاع است. روزنامه‌ی *ایران* درباره‌ی آموزش زنان در مصر، شرح مبسوطی از سه مدرسه‌ای دارد که خدیو آنجا برای تعلیم و

۱. «احوال متفرقه»، *وقایع‌اتفاقیه*، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۷۰، شماره‌ی ۱۶۳، ص ۸.

۲. «اخبار دول خارجه»، همانجا، ۱ شوال ۱۲۷۴، شماره‌ی ۳۸۲، ص ۶؛ همچنین مشابه این خبر: «مسابقه حسن»، *اطلاع*، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۰۶، شماره‌ی ۲۲۴، ص ۴.

۳. «خارجه»، *ایران*، ۲۵ جمادی‌الاول ۱۲۸۹، شماره‌ی ۱۱۴، ص ۴.

۴. «اخبار دول خارجه»، *وقایع‌اتفاقیه*، ۲۵ ذی‌حجه ۱۲۷۴، شماره‌ی ۳۹۲، ص ۶.

۵. «اخبار ممالک خارجه»، *دولت علیه ایران*، ۴ رجب ۱۲۸۲، شماره‌ی ۵۷۸، ص ۹.

۶. «مختلفه»، *اطلاع*، ۲۷ محرم ۱۳۱۱، شماره‌ی ۳۳۰، ص ۴.

۷. «احوال متفرقه»، *وقایع‌اتفاقیه*، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۲۷۰، شماره‌ی ۱۵۵، ص ۷.

تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه‌ی دوم ۴۷

تربیت دختران بنا نموده بود.<sup>۱</sup> همین روزنامه عقیده‌ی اهالی فرنگ درباره‌ی آموزش زنان را، البته بدون هیچ اظهارنظری، مورد توجه قرار داده است:

«... این مسئله از بدیهیات اولیه و مسلمیات عقلیه فرنگستان است که علم‌آموزی و

هنراندوزی دختران مزید استحسان مجمع انسانیت و زینت مدنیت و سبب تنظیم امور

معیشت است...»<sup>۲</sup>

در همین زمینه/اطلاع مقاله‌ای از جریده‌ی عربی المحروسه را به چاپ رساند که به لزوم آموزش زنان اشاره دارد.<sup>۳</sup> تنها دو روزنامه‌ی اخیر از دیدگاهی که نسبت به آموزش زنان در میان ملل مختلف وجود داشته، خبر می‌دهند. گرچه با توجه به ساختار روزنامه‌های این مرحله، تحلیلی پیرامون این خبر از روزنامه‌ی یادشده انتظار نمی‌رود.

به‌طور کلی روزنامه‌های این دوره عملکرد خوبی در به تصویر کشیدن تحولات زنان سایر ملل ندارند. ضمن آنکه بر جامعه‌ی دوره‌ی خود تأثیرگذار نبوده‌اند؛ به نظر می‌رسد در این مرحله روزنامه‌ها بیش از آنکه بر وضعیت زنان تأثیر بگذارند، رویکرد آنها به اخبار زنان سایر ملل، متأثر از تصور و جایگاهی بود که جامعه‌ی آن زمان برای زن قائل بود.

## ۲- روزنامه‌های برون مرزی؛ از پیدایش تا وقوع مشروطیت

در این مرحله روزنامه‌ها فارغ از محدودیت روزنامه‌های دولتی به انعکاس تحولات زنان سایر ملل پرداختند که در ایران دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن ایجاد شد. دسته‌ای از اخبار به لحاظ مغایرت با ارزش‌های اسلامی با واکنش منفی مواجه شده و دسته‌ای دیگر که نشان از ارزش نهادن به جایگاه زن و ایجاد تحول در حیات فرهنگی‌اش بود، با موافقت تجددگرایان روبه‌رو شده که سنت‌ها و جایگاه زن ایرانی را به چالش می‌کشید.

### الف) نگاه منفی به تحولات زنان سایر ملل

در مرحله‌ی مورد نظر، واکنش منفی به تحول وضعیت زنان، بیشتر نسبت به زنان اروپا در روزنامه‌های اختر و حبل‌المتین کلکته دیده می‌شود؛ از آن جهت که آن‌را در مغایرت آشکار با سنت‌ها و اصول اسلام می‌یافتند. در این رویکرد، روزنامه‌ها تناقض دستورات اسلامی با کردار

۱. «اخبار خارجه غیررسمی»، ایران، ۱۶ رجب ۱۲۹۰، شماره‌ی ۱۸۴، ص ۲.

۲. «اخبار خارجه غیررسمی»، همانجا، ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۲۸۸، شماره‌ی ۳۶، ص ۳.

۳. «اخلاق»، اطلاع، ۲۸ محرم ۱۳۱۰، شماره‌ی ۳۰۸، ص ۳.

زنان اروپا را به بحث گذارده و به آنچه در اروپا آزادی اطلاق شده، به چشم تردید و تمسخر نظر انداخته‌اند. *حیل‌المتین* بارها از نتایج آزادی زنان در اروپا مطالبی درج کرده؛ نتایجی منفی که جز اقدامات ناشایست و منافی اخلاق نبوده است. مطالبی در *حیل‌المتین* با عنوان *ثمره‌ی آزادی زنان* پس از ذکر اعمال نامشروع دختری اروپایی بیان می‌دارد که:

«حق این است که مذهبین و دانایان اروپا بمفاسد آزادی زنان پی برده. نفرت از این امر دارند ولی امروزه چاره از دست ایشان هم بیرون رفته است.»<sup>۱</sup>

همان روزنامه مطالبی دیگر تحت عنوان *نتیجه‌ی آزادی زنان* درج کرده که نتیجه‌ی جالب توجهی از آن می‌گیرد:

«چشم‌فرنگی‌مآبان ایران روشن باشد.»<sup>۲</sup>

ناگفته پیداست که این مطالب به‌منظور عبرت گرفتن کسانی که خواهان تقلید صرف از دستاوردهای اروپا بودند، گفته شده تا گوشزد نماید که آزادی مطلق زنان، چنین عواقبی دارد. /ختر نیز از خبری مبنی بر قتل سیزده کودک توسط یک زن، عاقبت تلخ برخی دستاوردهای تمدن اروپا را نتیجه گرفته:

«می‌توان گفت در تمام ممالک مشرق زمین یعنی در ایران و توران، امثال این جنایت از طایفه نسوان سرنزده است. آری درخت مدنیت فرنگستان خیلی از امثال این میوه‌های تلخ را در بار دارد.»<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد در ابتدای آشنایی با مظاهر تمدن غرب هراسی وجود داشته از اینکه این آموزه‌های جدید بر ارزش‌های دینی خللی وارد آورد و همچنین تقابل آن تحولات با سنت‌های کهن منشأ تغییر و تحول در فرهنگ زنان شود. این نگرانی در مقاله‌ای در *حیل‌المتین کلکته* این‌گونه ابراز شده است:

«در فرنگستان غم ناموس نیست... بی‌حجابی زنان و آزادی فواحش را پذیرفته‌اند... تربیت‌یافتگان فرنگستان بدان روش خو نموده یعنی عادت کرده‌اند و بر سر آنند که در ایران هم ترویج کنند و بسیار خیال باطلی در پیش گرفته‌اند...»<sup>۴</sup>

این نگرانی که در میان سنت‌گرایان جامعه وجود داشت، از سوی مظفرالدین‌شاه نیز به چشم می‌خورد. تقی‌اف تاجر متمول باکویی، زمانی که از او برای ساخت مدارس زنان در کارخانجات زنان که خود احداث نموده بود، کسب اجازه کرد؛ چنین پاسخ شنید:

۱. «ثمره آزادی زنان»، ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۱، *حیل‌المتین کلکته*، سال ۱۰، شماره‌ی ۳۰، ص ۱۶.  
۲. «نتیجه آزادی زنان»، ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۷، *همانجا*، سال ۶، شماره‌ی ۳۸، ص ۴۵۶.  
۳. «زن وحشی»، هفدهم صفر ۱۳۱۴، *ختر*، سال ۲۳، شماره‌ی ۷، ص ۱۰۹.  
۴. «وسيله نمو و مایه انحطاط دول»، *حیل‌المتین کلکته*، سال ۱۰، ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱، شماره‌ی ۴۱، ص ۱۲.

## تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه‌ی دوم ۴۹

«...اما هرچه می‌کنید بکنید لیکن ملاحظه داشته باشید که در مذهب اسلام رخنه پیدا نشود.»<sup>۱</sup>

بنابراین مخالفت با تحولات اروپا تا حد زیادی از این جهت بود که از کنار گذاشتن دین و مذهب در اروپا ناشی می‌شد. بنابراین روزنامه‌ها در مقابل آن تحولات موضعی محتاطانه و نگاهی منفی در پیش گرفته‌اند.

چنین اخباری به‌طور کلی نشان از تحول در جایگاه زنان سایر ملل داشت که در رویکرد سنتی، یکی از شیوه‌های مقابله با تأثیر آن تحولات بر زن ایرانی، رجوع به دستورات اسلامی بوده است. بنابراین آنها به هر طریق برتر و پیشرو بودن اسلام را متذکر می‌شدند. حتی اگر بر پاره‌ای از تحولات حیات اجتماعی و فرهنگی زنان اروپا صحنه می‌گذارند، یادآور می‌شدند که در آن مورد از دستورات اسلامی سرمشق گرفته‌اند و چنین ارزش‌هایی پیش از آن، در اسلام مورد تأکید و توجه بوده است. /ختر پس از درج خبر تصویب قانونی مبنی بر منع و حرمت ساختن و نوشیدن و خریدن و فروختن مسکرات در آمریکا که البته به همت زنان صورت یافته بود، همه انسان‌ها را برای رفاه و سعادت حقیقی ناچار از پذیرش احکام شریعت دانست.<sup>۲</sup> *حبل‌المتین* نیز پس از درج خبری مبنی بر وجود یک صدوهفتادونه مدرسه‌ی زنانه در آمریکا، مطلبش را چنین ادامه داده است:

«زنان اگر تعلیم و تربیت نداشته باشند، در شالوده تربیت و تعلیم اطفال خشت کج گذارده خواهد شد و صاحب شریعت مطهره اسلام تحصیل علم را بر زن و مرد فرض نموده است، ولی ما مسلمانان عمل نمی‌کنیم و اهل صلیب از سرمشق‌های ما بهره می‌گیرند.»<sup>۳</sup>

رویکرد سنتی اگرچه با تحولات مثبت در حیات فرهنگی زنان اروپا سر سازگاری داشت، اما این به‌دلیل تأکید اسلام بر آن ارزش‌ها بوده است. از شیوه‌های مخالفت رویکرد سنتی روزنامه‌ها با تحولات اروپا آن بود که دین اسلام را مقابل آن تحولات قرار دهند تا خاطر نشان شوند آنچه آنها در تکاپویش هستند، پیش از آن در دین اسلام وجود داشته است. بنابراین شایسته نمی‌دانستند که با وجود چنان پیشینه‌ای به تقلید از اروپاییان روی آورند.

۱. «مدرسه و کارخانه نسوان»، همانجا، ۱۹ شوال ۱۳۲۰، شماره‌ی ۱۵، صص ۱۳-۱۴.

۲. «جنبش مردانه زنان در امریک»، *ختر*، سال ۱۹، شماره‌ی ۲۲، ص ۵۷۰۷.

۳. «اخبارات و تلگرافات خارجه»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۶، ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۷، شماره‌ی ۳۶، ص ۴۳۱.

### ب) نگاه تحسین‌آمیز به تحولات زنان ملل مختلف

در این رویه از مواجهه با تحول وضعیت زنان سایر ملل، روزنامه‌ها به‌عنوان ابزار مفید اطلاع‌رسانی ظاهر شدند که مطالب مشروحو از فعالیت‌های مثبت زنان خارجی ارائه می‌دادند. بیشترین مطلب در این مرحله از زنان اروپا بوده و وجه بارز تأثیرپذیری زنان ایران از آنان در امر آموزش است. در رویکرد مثبت به تحولات زنان دیگر ملل، دو گونه مطلب دیده می‌شود: دسته‌ی اول که بسیار بیشتر نیز هستند، اخبار تحولات زنان بوده، بدون آنکه اظهارنظر و قضاوتی از سوی روزنامه‌ها صورت پذیرد. اما دسته‌ی دوم مطالبی هستند که گرچه رویکرد خبری دارند، اما مدیران جراید را تحت تأثیر قرار داده، به‌طوری که آنها را به اظهارنظر درباره‌ی آن اخبار و در موارد زیادی مقایسه‌ی زنان ایران و سایر ملل واداشته است.

در مطالب دسته‌ی اول اخبار پیشرفت زنان ملل مختلف در امر تعلیم و تربیت، بیشترین انعکاس را داشته که از جهت اهمیتی است که به آموزش زنان داده می‌شد. در این میان *حبل‌المتین* مطالب زیادی دارد:

«حکومت ژاپون قیمت و اهمیت زنان را منظور داشته و به تعلیم و تربیت ایشان اعتنای فوق‌الحد و نسبت بر آن پروغرمهای مکاتب دختران را تنظیم نموده است»<sup>۱</sup>.

البته در زمینه‌ی آموزش، پیشرفت زنان مسلمان نیز در کانون توجه جراید قرار گرفته است: «از عرصه هفت ماه هفده مدرسه ملتی و دولتی بطرز جدید در تمام ممالک عثمانی افتتاح شده است از آنجمله دو مدرسه‌اش در تعلیم نسوان است»<sup>۲</sup>.

به‌طور کلی مطالب صرفاً خبری از زنان سایر ملل، مربوط به انجام امور خیریه در احداث مدرسه، مریضخانه و سایر عمارات و همچنین فعالیت‌شان در مشاغل مختلف و پیشرفت در کسب علم و دانش‌اندوزی بود که بدون تردید تأثیر خود را بر درک جامعه از وضعیت و جایگاه زنان ایرانی می‌گذاشت.

موضوعات مطالب دسته‌ی دوم بیشتر شامل همان موضوعات مورد توجه در اخبار است، با این تفاوت که درباره‌اش اظهارنظر شده، فعالیت‌های مثبت مورد تحسین قرار گرفته و در پاره‌ای موارد با اعمال زن ایرانی مقایسه شده است. روزنامه‌ی تربیت پس از درج آنکه در روزنامه‌ی *آنته* فرانسه زنی دانشمند مطلبی راجع به ایران نوشته، مطلبش را بسیار به حقیقت نزدیک قلمداد کرده؛ چنان که گویا شخصاً ایران را سیاحت کرده است. سپس به ستایش وی پرداخته:

۱. «ژاپونی‌ها»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۱۳، ۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۴، شماره‌ی ۳۴، ص ۱۹.

۲. «ترقی تعلیم در مملکت عثمانی»، *همانجا*، سال ۵، چهارم رجب ۱۳۱۵، ۱۸۹۷، شماره‌ی ۴، ص ۴۱؛ همچنین همان روزنامه مطالبی از پیشرفت آموزش زن در مصر آورده است: «تعلیم نسوان در مصر»، *همانجا*، سال ۷، ۲۸ محرم ۱۳۱۸، شماره‌ی ۲۷، ص ۴.



## تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه‌ی دوم ۵۱

«... زهی خجسته قومی که زنان آنها از مفاخر زمان‌اند و دارای مآثر و آثار باقیه این دوره و نام نیک جاویدان»<sup>۱</sup>

اختر نیز در پاره‌ای موارد، وقتی از بلندهمتی زنان سایر ملل سخن می‌گوید، اینگونه بر اقدامات خیرخواهانه آنها مهر تأیید زده و تحسین و ستایش خود را ابراز می‌دارد:

«آفرین باد بدین همت مردانه او»<sup>۲</sup>

همچنین مدیر *حبل‌المتین* در مطلبی که از اقدامات خیرخواهانه مس‌مارستن رئیس هیئت زنانه داعیان دین مسیحی سخن رانده، به تعریف و ستایشش پرداخته و رفتارش را سرمشقی برای مردان شمرده است.<sup>۳</sup>

با توجه به تحسین و ستایشی که جراید، ذیل برخی اخبار، از فعالیت‌های زنان به عمل می‌آوردند، نمی‌توان منکر شد که آنها سودای تأثیرپذیری زنان ایرانی از آن تحولات را در سر نداشته‌اند. به‌ویژه آن که در مطالب زیادی به مقایسه زنان ایرانی با دیگر جوامع پرداخته و تأثیر مثبتی را که بر زنان ایران می‌توانستند داشته باشند، بیان کرده‌اند. در مطلبی، از دختری اسپانیایی سخن رفته که در بسیاری علوم سرآمد بوده و کتابی در احوال مشاهیر نسوان شرق و آثارشان تألیف کرده بود. مدیر روزنامه، این زن را شایسته تشکر و قدردانی یافته و اظهار امیدواری کرده که:

«... از حسن تأثیر این کار عموم زنان شرقیه را سابقه جدید در کسب هنر و معارف پدید آید و هر یک بر سر شوق آمده، از پی تحصیل نام نیک و ذکر جمیل برخیزند.»<sup>۴</sup>

درج تحولات اجتماعی و فرهنگی زنان ملل مختلف از سویی امکان مقایسه‌ی زن ایرانی با آنها را فراهم می‌کرد و از سوی دیگر مقایسه‌ای چنین نابرابر وضعیت فکری و فرهنگی زن ایرانی را به چالش‌هایی جدی می‌کشاند. *حبل‌المتین* کلکته پس از بیان پیشرفت‌های زنان آمریکا، ضمن انتقاد از وضعیت زن ایرانی، ریشه مشکلاتش را نبود آموزش عنوان کرد:

«... آن زندهای بعلم و معرفت مسیحی، زندهای ما هم از خوردسالی صنعت روضه‌خوان شاگردی را یاد میگیرند، سبب آن علم و صنعت و این ذلت و رذالت چیست؟... عقلمان نمی‌رسد که صرف چند باب مکتب دخترانه کنیم تا مانند مادرانشان بی‌هنر و نادان بار نیایند و مایه هزارگونه ذلت فرزندان خود نباشند.»<sup>۵</sup>

۱. تربیت، سال ۴، ۲۳ صفر ۱۳۱۸، ش ۱۹۰، ص ۷۵۸-۹.

۲. اختر، سال ۲۰، ۹ ذی‌قعدة ۱۳۱۱، شماره‌ی ۴۴، ص ۶۹۶؛ همچنین، «همت مردانه»، همانجا، سال ۲۳، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۳، ش ۱۸، ص ۲۸۳.

۳. «زن و همت مردانه»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۳، ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴، شماره‌ی ۴۱، ص ۸.

۴. اختر، سال ۲۰، ۲۵ محرم ۱۳۱۱، شماره‌ی ۴، ص ۵۹.

۵. «بقیه صفحه چهارم (تجار محترم)»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۱۳، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۴، شماره‌ی ۳۶، ص ۲۴.

رویکرد تحول‌خواهانه زمانی که به مقایسه زنان ایران و دیگر ملل می‌پرداخت، تفاوت عمیق آن دو را در نظر داشت و با تأسف از آن یاد می‌کرد. اختر جهالت زن شرقی را به حدی دانسته که قیاسش با زن اروپایی را نادرست می‌نماید:

«زنان مغرب در علوم و فنون نزدیک است مسابقت با مردان کنند. ولی بالعکس زنان مشرق زمین بغیر از چهاردیوار خانهای خودشان از دنیا و مافیها خبر ندارند. حالا جای مقایسه نیست، همین بس که بگوییم جاهل با عالم برابری نتواند نمود.»<sup>۱</sup>

از آن منظر، نه تنها مقایسه‌ی زنان سایر ملل با زنان شرق، قیاسی نادرست بود که حتی این مقایسه میان آنها با مردان شرق نیز امکان‌پذیر نبود:

«اگر موازنه نماییم تعلیم زنان پست‌ترین اقوام فرنگ را به بهترین تعلیم‌یافتگان مردان آسیا باز زنان اروپا را فزونی حاصل خواهد شد.»<sup>۲</sup>

در رویکرد تحول‌خواهانه از آنجا که برخلاف رویکرد سنتی، مقاومت منفی نسبت به تحولات وضعیت زن وجود نداشت، راه تغییر زن ایرانی و پذیرفتن مشکلاتش هموار بود. به نظر می‌رسد در این رویکرد مقایسه با زنان دیگر ملل صورت می‌یافت تا وخامت اوضاع زنان ایرانی نشان داده شود و تأثیر جامعه را برانگیخته و به اقدامی سازنده وادارد.

### ۳- روزنامه‌های فارسی‌زبان؛ از انقلاب مشروطه تا پایان مشروطه‌ی دوم

ویژگی بارز این مرحله علاوه بر طرح گسترده مسائل زنان و تغییر مقولات مورد توجه، انتشار آثار زیادی از خود زنان در قالب نامه و خطابه در روزنامه‌ها بود. بنابراین مطالب مربوط به این مرحله در دو بخش ارائه می‌شود:

#### الف) زنان ملل مختلف در آثار مردان ایرانی

در این مرحله، نسبت به مراحل قبل مباحثی جدی‌تر از مسائل زنان سایر ملل مطرح می‌شود. در این مرحله‌ی پایانی از دوره‌ی زمانی پژوهش حاضر نیز به امر آموزش زنان اروپا توجه شده؛ اما به‌هیچ‌روی به گستردگی دوره‌ی قبل در کانون توجه جایز قرار ندارد؛ چراکه در این مرحله آموزش به فصل اساسی حیات زنان ایران تبدیل شده بود. در این زمان اگر هم مطلبی از آموزش گفته شده، دیگر مربوط به شکل‌گیری نهاد آموزش زنان در اروپا و لزوم دانش‌اندوزی زن ایرانی نبود، بلکه مطالبی پیشرفته‌تر همچون فعالیت‌های آکادمیک زن اروپایی و ورودش به دانشگاه

۱. /خنره، سال ۲۰، شماره‌ی ۳۶، ص ۸۱۵۲.

۲. «شوق زنان اروپایی به علوم»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۹، ۲۳ شوال ۱۳۱۹، شماره‌ی ۱۶، ص ۱۲.

بوده است. در این باره تنها/یران‌نو به درج مطالبی پرداخته که نمونه‌ی آن در مورد زنان پاریس است. اظهار نظر مدیر روزنامه در این باره جالب است که موفقیت زنان اروپا را فتح جدید آنها قلمداد کرده و قابل توجه کسانی می‌داند که افکار و عقایدشان علیه زن‌هاست.<sup>۱</sup> همین روزنامه خبری از تلاش زنان فرانسه برای انتخاب شدن و عضویت در دانشگاه‌های فرانسه می‌دهد که مادام کوری فیزیکیان مشهور، یکی از آنها بود.<sup>۲</sup> این مطالب نشان از گسترش آموزش عالی در اروپا داشت؛ حتی پاپ نیز با تأسیس مدارس عالی‌ه برای زنان کاتولیک موافقت نمود.<sup>۳</sup>

مسئله دیگری که همچون مرحله‌ی قبل اما به صورتی جدی‌تر طرح شد، مقایسه‌ی زن ایرانی با زنان دیگر ملل بود تا بر او تأثیر بگذارد. *صوراسرافیل* در شماره‌ی ۲۶ در ستون چرند و چرند، پس از درج اقدامات زنان انگلیسی برای تحصیل حقوق سیاسی خود از قبیل تشکیل انجمن‌ها و تألیف مقالات و کتب متعدد، از زن ملامحمد روضه‌خوان سخن می‌راند که برای رهایی از دست مهمان از سر بچه‌اش شپشی یافته و در کفش او می‌اندازد «تا چنان اسپند روی آتش از جا بجهد».<sup>۴</sup> واضح است که زن ملامحمد روضه‌خوان می‌تواند نماد زن سنتی ایرانی باشد که در مقایسه با زن اروپایی درک و ذهنیتی سنتی نسبت به امور پیرامون خود داشته و از این لحاظ با زن اروپایی که پیشرفت و تحولی شگرف را از سر می‌گذراند، مقایسه‌اش بی‌نهایت نابرابر می‌نمود. همین موقعیت برتر زن اروپایی وی را در مقامی قرار می‌داد که اخبارش برای عبرت‌گیری زن ایرانی مورد استفاده روزنامه‌ها قرار گیرد. گزارش‌هایی حاکی از تمایل به تأثیرپذیری زن ایرانی از زنان سایر ملل است که در وضعیت پیشرفته‌تری نسبت به او بودند. میرزا علی‌آقای مجتهد در انجمن زنان پترسبرگ، اظهار امیدواری کرد که بعد از این زنان ایرانی نیز همچون آن زنان روسی، دور هم جمع شوند و به حال ملل بدبخت دیگر دلسوزی نمایند.<sup>۵</sup>

نکته‌ی قابل توجه آنکه جراید در قالب همان موضوعاتی که در محور توجهشان بود، به تحولات زنان سایر ملل نیز توجه داشتند. *یران‌نو* درباره‌ی زنان چین، اشاره دارد به اینکه بر اثر اختلافات چین و روسیه، زنان چینی که تا آن زمان به مسائل سیاسی و اجتماعی علاقه‌ای نشان نمی‌دادند، به جنبش درآمد و یک حس ملی در آنها ایجاد شده است. به طوری که شبانه‌روز به دوختن لباس برای سربازان مبادرت ورزیده و حتی آنها را به جنگ تشویق می‌نمایند.<sup>۶</sup> درباره‌ی

۱. «متنوعه: زنان عضو آکادمی»، *یران‌نو*، سال ۲، ۴ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره‌ی ۴۰، ص ۴.

۲. «متنوعه: زنها در دارالعلوم»، *همانجا*، سال ۲، ۲۲ محرم ۱۳۲۹، شماره‌ی ۷۶، ص ۴.

۳. «ترجمه تلگرافات خارجه»، *حبل‌المتین* تهران، سال اول، ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، شماره‌ی ۳۸، ص ۴.

۴. «چرند و پرند: سال نامه»، *صوراسرافیل*، سال اول، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، شماره‌ی ۲۶، صص ۶ و ۷.

۵. «انجمن نسوان پترسبرگ»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۱۶، ۱۵ صفر ۱۳۲۷، شماره‌ی ۳۲، ص ۱۹.

۶. «اخبار خارجه: زنان چین»، *یران‌نو*، سال ۳، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، شماره‌ی ۱۴، ص ۴.

زنان عثمانی نیز اشاره شده که بعد از اعلان مشروطیت، برای اصلاح و ترقی خود جداً سعی می‌کنند. آنها قرار گذاشتند که خواهش خودشان را شخصاً با فرستادن نماینده‌ای به سمع سلطان برسانند. آنها «لایحه اصلاحاتی را که احوال اجتماعی زنان شرق را میتواند تبدیل کند، پیشنهاد سلطان نموده‌اند و دو ساعت و نیم با سلطان در این خصوص کماهو حقه صحبت کرده‌اند.»<sup>۱</sup>

اما مسلم است که تأثیرپذیری از تحولاتی که زنان اروپا از سر می‌گذراندند، بسیار بیشتر از سایر ملل بود؛ چرا که بیشترین مطالبی که روزنامه‌ها منعکس کرده‌اند، مربوط به اروپا بوده است. در این مرحله حتی از تلاش زن اروپایی برای کسب برابری با مرد و ورود او به عرصه‌ی سیاست، مطالب زیادی در روزنامه‌ها درج شده است. در این باره روزنامه‌ای که بیشترین جزئیات را نقل کرده است، روزنامه‌ی *ایران‌نو* و کشوری را که بیش از همه مورد توجه قرار گرفته، انگلستان بوده است. درباره‌ی انگلستان در این روزنامه آمده است که:

«... ممالک انگلوساکسون (انگلیسی نژاد) بنهایت درجه طرف دار حقوق نسوان هستند... فعلاً انگلستان حکم مرکز انقلابات حقوق خواهانه طبقه اناث را پیدا کرده است. دیرزمانی است که زنان انگلیسی به آواز بلند حقوق سیاسی خود و تساوی مطلق جنسین ذکور و اناث را مطالبه می‌نمایند. تاکنون نیز در سایه مجاهدات خود بکسب بعضی از حقوق خود نایل آمده...»<sup>۲</sup>

مطالبه‌ی حقوق سیاسی زنان اروپایی در اکثر موارد با ایجاد آشوب و اغتشاش همراه بوده که از سوی زنانی که در مطلب فوق نیز با عنوان مهیج سیاسی از آنها نام برده شده، صورت گرفته است. صوراسرافیل در شماره‌ای از تلاش زنان لندن برای مطالبه‌ی حقوق سیاسی طبقه‌ی نسوان، یعنی امکان ورود به پارلمان و حق وزارت و وکالت داشتشان، خبر می‌دهد.<sup>۳</sup> *ایران‌نو* بارها از آشوب‌هایی که زنان اروپا به‌منظور کسب حقوق سیاسی ایجاد کرده بودند، مطالبی آورده<sup>۴</sup> و همین پرداختن جزئی و دقیق به این موضوع در کنار فراوانی آن، نشانگر میزان اهمیت چنین اخباری نزد مدیر روزنامه است.<sup>۵</sup>

۱. «اخبار خارجه: عثمانی، زنان عثمانی»، *همانجا*، سال اول، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۸، شماره‌ی ۲۰۲، ص ۴.

۲. «زنان حقوق طلب انگلیسی»، *همانجا*، سال ۲، ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره‌ی ۴۵، ص ۴.

۳. «اخبار خارجه، بنقل از شماره‌ی ۸ سال ۲ جریده شریفه ارشاد»، *صوراسرافیل*، سال اول، ۲۴ محرم ۱۳۲۶، شماره‌ی ۲۴، صص ۴ و ۵.

۴. «تلگرافات: زنان حق طلب»، *ایران‌نو*، سال اول، ۱۲ شعبان ۱۳۲۷، شماره‌ی ۵، ص ۴؛ همچنین *همانجا*، رمضان ۱۳۲۷، شماره‌ی ۲۷، ص ۷.

۵. «خواتین حقوق طلب»، *همانجا*، سال اول، ۱۳ رمضان ۱۳۲۷، شماره‌ی ۳۱، ص ۴؛ همچنین *همانجا*، ۲۵ شوال ۱۳۲۷، شماره‌ی ۶۲، ص ۴؛ همچنین، *همانجا*، سال اول، ۲ ذیقعد ۱۳۲۷، شماره‌ی ۶۸، ص ۴.

روزنامه‌ها به رشد سیاسی زنان اروپایی در دیگر قالب‌های آن نیز پرداخته‌اند که دستگیر شدن زنان اروپا و به زندان رفتنشان در این دوره با توجه به اغتشاشات فراوانی که ایجاد می‌کردند، در شمار آن بود. *حبل‌المتین* تهران در شماره‌ای ذیل تلگرافات خارجه، اشاره کرده که پنجاه و هفت زن اروپایی که در عرابه پنهان شده و قصد ورود به مجلس ملی را داشته‌اند، دستگیر شده و به زندان رفته‌اند.<sup>۱</sup> این امر بر رشد سیاسی زنان اروپا دلالت داشت و اوج آن زمانی است که به گزارش *ایران‌نو*، زنان میان زندان و جریمه، حبس را برگزینند.<sup>۲</sup>

چنانکه ملاحظه شد در این مرحله مباحثی جدی از مسائل زنان سایر ملل به‌ویژه اروپا مطرح شد که پیشرفتی قابل ملاحظه نسبت به مراحل قبل به‌شمار می‌رود. ضمن آنکه طرح موضوعات مرحله‌ی قبل که تا حد زیادی برای زن ایرانی تحقق یافته بود، از سوی روزنامه‌ها رو به کاستی رفت و همین امر نشان از اشتیاق مدیران جراید در ایجاد تغییر در جایگاه زن ایرانی به واسطه طرح اخبار و مسائل زنان سایر ملل دارد.

### ب) زنان ملل مختلف در آثار زنان ایرانی

از مرحله‌ی قبل، انتشار مقالاتی از زنان در روزنامه‌ها آغاز شده بود، اما در این مرحله انتشار مقالات و خطابه‌های زنان در مدارس و انجمن‌ها به‌طور جدی و گسترده مورد توجه مدیران جراید قرار گرفت. آثار زنان ایرانی در موارد زیادی نشان از تأثیرپذیری آنها از تحولات زنان سایر ملل دارد.

مهم‌ترین بعد تأثیرپذیری زن ایرانی از زنان ملل مختلف، آموزش بوده است. آنها جهت یادآوری لزوم دانش‌اندوزی خود بارها زنان ملل مختلف به‌ویژه اروپا را مثال زده‌اند. در روزنامه‌ی *مجلس* نامه‌ی زنی به چاپ رسیده که در آن ضمن اشاره به سابقه‌ی طولانی علم و دانش در میان مسلمانان، دلیل پیشرفت اروپا و پیشی گرفتن از مسلمانان را توجه آنها به آموزش زنان عنوان کرده است.<sup>۳</sup> حتی از نظر زنی که در واکنش به مخالفت شیخ فضل‌الله نوری با آموزش زنان در *حبل‌المتین* تهران نامه‌ای دارد، اروپاییان چنان در این امر گوی سبقت از ایرانیان ربوده‌اند که:

۱. «ترجمه تلگرافات خارجه»، *حبل‌المتین*، تهران، سال اول، ۲۴ محرم ۱۳۲۶، شماره‌ی ۲۳۸، ص ۴.  
۲. «تلگرافات خارجه: آژانس رویترا»، *ایران‌نو*، سال ۲، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸، شماره‌ی ۳۴، ص ۳؛ همچنین *همانجا*، ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۸، شماره‌ی ۳۵، ص ۴.  
۳. «عریضه یکی از خواتین با علم به‌عنوان آقای محمد مجتهد دامت برکاته»، *مجلس*، سال اول، ۱۶ شوال ۱۳۲۴، شماره‌ی ۳ ص ۳.

«... چقدر مناسب است که اشخاص سست اعتقاد بجهت استحکام عقاید مذهبی خود مدتی با اهل علم فرنگیان و یا فرنگی‌مآبان محشور شوند و از علوم آنها یاد گیرند...»<sup>۱</sup>  
 زنی دیگر در نامه‌اش در *ایران‌نو*، دلیل پیشرفت عثمانی و چین را آموزش یافتن زنانشان دانسته و با این امید که توجه بیشتری به مقوله آموزش زنان شود، پیشرفت و سعادت وطن را آرزو کرده است.<sup>۲</sup> بنابراین سعادت و پیشرفت وطن از انگیزه‌های زن ایرانی بود که می‌توانست توجهش را به تحولات آموزشی زن در جوامع اروپایی جلب کند.<sup>۳</sup>

توجه دیگر زن ایرانی برای لزوم دانش‌اندوزی‌اش، نقش مهمی بود که مادر باسواد می‌توانست در تربیت فرزندان شایسته داشته باشد. در این مورد نیز زن ایرانی به مقایسه‌ی خود با زن اروپایی پرداخته است. به‌عنوان مثال زنی که در لزوم آموزش زنان برای سیدمحمد طباطبایی نامه نوشته، این موضوع را چنین مورد توجه قرار داده:

«... زن‌های فرنگی به واسطه علم معنی هیئت اجتماعی را می‌فهمند و می‌دانند که فرزندان خود را برای چه کار آماده کنند. زن‌های مسلمان جز کینه‌ورزی با یکدیگر و تربیت کودکان به مقتضای سلیقه کج خود چیز دیگر نمی‌دانند. این است فرزندان که از پستان آن مادرها شیر خورده، مدبر عالم، و اولادی که در دامان تربیت اینها پرورده شده، پست‌ترین امم می‌شوند. تا وقتی که آموزگاران و مربیان اولیه اطفال را تربیت نکنیم، جوانان کاردان و پیران با تدبیر نخواهیم داشت...»<sup>۴</sup>

توجه دادن به دانش‌اندوزی زنان ملل مختلف و برشمردن فوایدش، نشان از تأثیر تحولات آموزشی آنها بر زن ایرانی دارد؛ به‌طوری که در قیاس خود با آنها، تنها امتیازشان را کسب علم و دانش قلمداد کرده‌اند. در خطابه‌ی زنی در مدرسه، زن ایرانی با صراحت بیشتری با زنان اروپایی مورد مقایسه قرار می‌گیرد:

«... زنهای ایرانی تا کی کور و کر و لال باشیم؟... مگر ما از جنس بشر خارجیم یا آنکه خانم‌های اروپایی از حیث اعضا و جوارح مزیتی بر ما دارند؟ یا وقتی که از مادر متولد می‌شوند دارای علوم با عقل کاملی هستند. پس معلوم شد مزیت آنها از حیث علم است و علم را باید تحصیل نمود و رنج کشید.»<sup>۵</sup>

۱. «لایحه یکی از خواتین»، *حبل‌المتین*، تهران، ج ۱، سال اول، ۲۲ رجب ۱۳۲۵، شماره‌ی ۱۰۵، صص ۲-۴.

۲. «مکتوب یکی از خانم‌های ایرانی»، *ایران‌نو*، سال اول، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷، شماره‌ی ۳۴، ص ۴.

۳. «مدارس تهران - مدرسه مخدرات»، *همانجا*، سال اول، محرم ۱۳۲۸، شماره‌ی ۱۱۴، ص ۴.

۴. «عریضه یکی از خواتین با علم به‌عنوان آقای آقا سیدمحمد مجتهد دامت برکاته»، *مجلس*، سال اول، ۱۶ شوال ۱۳۲۴، شماره‌ی ۶، ص ۳.

۵. «در مدرسه مخدرات»، *ایران‌نو*، سال اول، ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۷، شماره‌ی ۹۴، ص ۲.

تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه‌ی دوم ۵۷

بنابراین نقطه پایان پژوهش حاضر آنجاست که اهتمام مردان به انعکاس تحولات اجتماعی زنان ملل مختلف، نتیجه داد و زن ایرانی نیز در این مورد ذهنیاتش را در آثارش در همان روزنامه‌ها ابراز نموده و درصدد ایجاد تحول در وضعیت فرهنگی‌اش برآمد.

### نتیجه

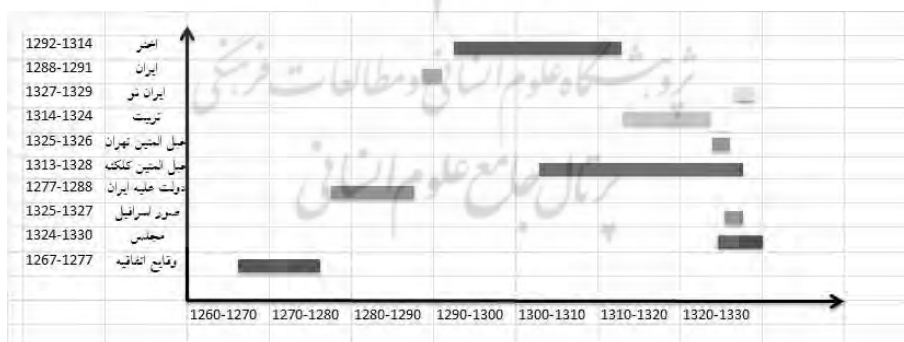
پژوهش حاضر تلاش کرد آنچه از زنان سایر ملل در روزنامه‌ها، از وقایع/تفاهیم تا برخی روزنامه‌های انتشاریافته تا پایان مشروطه‌ی دوم، انعکاس یافته را طرح کرده و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن و تأثیرش بر حیات فکری و فرهنگی زنان ایران را در مراحل مختلف دوره‌ی زمانی پژوهش بازنمایاند. دوره‌ی زمانی این پژوهش به سه مرحله تقسیم شد؛ در مرحله‌ی اول که با روزنامه‌نگاری دولتی آغاز شد، رویکردی صرفاً توصیفی به اخبار زنان سایر ملل وجود دارد و هدف خاصی از طرح آن اخبار دنبال نمی‌شود. ضمن آنکه موضوعات مورد توجه روزنامه‌ها، تنها به ارزش‌های ظاهری زن و سنت‌های حاکم بر حیات او و جایگاهش در خانواده محدود است. البته این رویکرد در پایان دوره‌ی موردنظر تا حد زیادی تعدیل شد و اخباری فرهنگی اما باز صرفاً توصیفی انعکاس یافت.

مرحله‌ی دوم که با شکل‌گیری مطبوعات برون‌مرزی آغاز می‌شود، نه تنها نقطه‌ی عطفی در تاریخ مطبوعات، که نقطه‌ی تحولی در نحوه‌ی انعکاس مسائل زنان سایر ملل و رویکرد روزنامه‌ها به آن بود. در این دوره نه تنها اخباری با مضامین متفاوت از قبل به چاپ می‌رسید، بلکه نظراتی پیرامون آن ارائه می‌شد که در صورت مغایرت با ارزش‌های اسلامی واکنشی منفی و هرگاه ارتقای جایگاه زن خصوصاً دانش‌آموزی وی را دنبال می‌کرد، با واکنشی مثبت البته از سوی تجددگرایان روبه‌رو می‌شد. بنابراین در این دوره اثرپذیری قابل توجهی از اخبار زنان سایر ملل در دو وجه مثبت و منفی آن دیده می‌شود. از همین دوره مقایسه‌ی زن ایرانی، به‌ویژه با زن اروپایی، نقطه‌ی آغاز ایجاد پرسش و مورد تردید قرار دادن سنت‌های حاکم بر حیات زن ایرانی شد و در نهایت برای او تحولات بی‌سابقه‌ای در حیات اجتماعی و فرهنگی‌اش به ارمغان آورد.

مرحله‌ی سوم که از وقوع مشروطه تا پایان مشروطه‌ی دوم را دربردارد، نقطه‌ی متفاوت دیگری از انعکاس مسائل زنان سایر ملل بود؛ چرا که در این مرحله ارزش‌هایی که از زنان سایر ملل در مرحله‌ی قبل طرح شده بود، مقبولیت زیادی در جامعه یافته و بحث بر سر ضرورت و لزوم آن بی‌جا و غیرضروری می‌نمود. ضمن آنکه زنان سایر ملل نیز به پیشرفت‌های بیشتر و جدی‌تری دست یافته بودند. بنابراین در این مرحله طرح موضوعات مرحله‌ی قبل رو به کاستی رفت و موضوعات جدیدی چون دخالت زن اروپایی در امور سیاسی طرح شد. در این مرحله،

روزنامه‌ها بیش از پیش تحولات زنان سایر ملل را دست‌مایه‌ی مقایسه‌ی آنها و زنان ایران قرار داده و وضعیت و جایگاه زن ایرانی را به چالش کشیده‌اند که چنین رویکردی در آثار خود زنان در روزنامه‌ها نیز به چشم می‌خورد. به‌طور کلی انعکاس مسائل زنان سایر ملل در روزنامه‌ها در مراحل گفته شده، به لحاظ کمیت پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشت. این پیشرفت در مورد موضوعات مورد توجه روزنامه‌ها از زنان سایر ملل نیز به چشم می‌خورد که از توجه به ارزش‌های ظاهری زن در مرحله‌ی اول به لزوم دانش‌اندوزی وی در مرحله‌ی دوم و دخالت وی در امور سیاسی در مرحله‌ی سوم ارتقا یافت. به لحاظ رویکرد روزنامه‌ها به مسائل زنان سایر ملل نیز تفاوت عمده‌ای در سه مرحله یادشده وجود دارد. در مرحله‌ی اول روزنامه‌های دولتی البته در قالب همان ارزش‌های سنتی حاکم بر حیات زن ایرانی، تنها به درج اخبار زنان سایر ملل پرداخته‌اند، اما در مراحل بعد روزنامه‌ها پا از دایره‌ی اطلاع‌رسانی فراتر نهاده و آن اخبار را دست‌مایه‌ی ابراز نظرات خود قرار دادند و حتی به مقایسه‌ی وضعیت زن ایرانی با آنها پرداختند که نوید از تحولی ژرف در حیات فکری و فرهنگی زنان ایران می‌داد و چنین تحولی توجه به تحولات اجتماعی زنان ملل مختلف و مقایسه با آنان را اگرچه گاه نابرابر می‌نمود، به خوبی توجیه می‌کند. در نهایت ذهنیت زنان نیز چنان از تحولات اجتماعی زنان ملل مختلف تأثیر پذیرفت که از طریق یادآوری آن تحولات و مقایسه خود با آن زنان درصدد ایجاد تغییراتی اساسی در حیات اجتماعی و فرهنگی خود برآمدند.

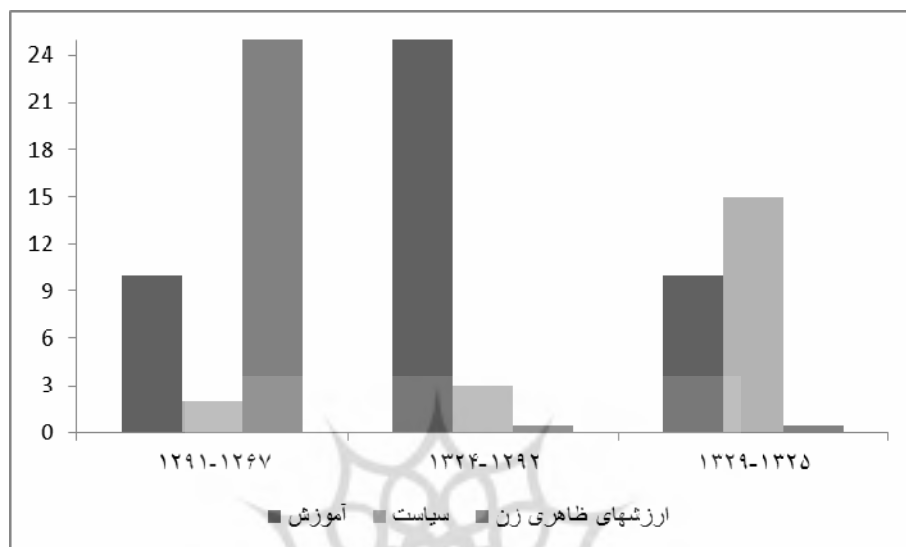
#### نمودار ۱- دوره‌ی زمانی انتشار روزنامه‌های مورد بررسی





تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه‌ی دوم ۵۹

نمودار ۲- موضوعات مورد توجه روزنامه‌ها از زنان ملل مختلف



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع

۱. /ختر (۱۳۱۴-۱۳۹۲ق.)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۸، ج ۹.
۲. /اطلاع (۱۳۱۳-۱۳۹۸ق.) تهیه و تنظیم: عنایت‌الله رحمانی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سال اول، ۱۳۸۵، ج ۴.
۳. /ایران (۱۳۲۶-۱۳۸۸ق.)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۴، ج ۲.
۴. /ایران‌نو (۱۳۲۷-۱۳۳۹ق.)، تنظیم: عنایت‌الله رحمانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۸۵، ج ۳.
۵. تربیت (۱۳۱۴-۱۳۳۴ق.)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۶، ج ۳.
۶. /حیل‌المتین تهران (۱۳۲۵-۱۳۳۶ق.)، بازبینی: نصرالله صالحی و محمد گلبن، تهران، دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۸۳، ج ۲.
۷. /حیل‌المتین کلکته (۱۳۱۳-۱۳۳۹ق.)، تنظیم: عنایت‌الله رحمانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۸۳، ج ۱۶.
۸. /دولت علیه ایران، (۱۳۷۷-۱۳۸۷ق.)، به اهتمام جمشید کیانفر و عنایت‌الله رحمانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۲، ج ۲.
۹. /صوراسرافیل (۱۳۲۵-۱۳۳۶ق.)، تهران، نشر تاریخ ایران، چ اول، ۱۳۶۱.
۱۰. /مجلس (۱۳۳۰-۱۳۳۴ق.)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چ اول، ۱۳۷۵، ج ۵.
۱۱. /وقایع‌تفاقیه (۱۳۶۷-۱۳۷۷ق.)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۳، ج ۴.